



آیا «پدر» این حق را دارد که «فرزند» خود را از ارث محروم کند؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد...

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است؛ مهم‌ترین اثر این آشنایی و آگاهی را می‌توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «محروم کردن فرزند از ارث» را بررسی کنیم.

این جمله که «از ارث محروم می‌کنم» برای بسیاری از افراد آشنا است و ممکن است بارها و بارها آن را شنیده باشند. در بیشتر مواقع، این عبارت توسط پدرانی به کار می‌رود که با برخی رفتارهای فرزندان خود مخالفند و با استفاده از این حربه می‌خواهند آنها را به انجام رفتارهایی مطابق میل خود مجبور کنند.

شنیدن این جمله ممکن است موجب نگرانی برخی فرزندان شده و حتی در مواردی همین افراد، با این جمله از قصد و نیت اصلی خود منصرف شوند.

اما در میان افرادی نیز وجود دارند که به دلیل داشتن دانش حقوقی، به این عبارت وقعی نگذاشته و به آن اعتنا نمی‌کنند چرا که می‌دانند این موضوع پایه و اساس حقوقی و قانونی ندارد و هیچ کس نمی‌تواند دیگری را از چنین حقی محروم کند.

حال باید بررسی کرد که آیا در عالم واقع و از لحاظ قانونی و شرع، پدر این حق را دارد که فرزند خود را از ارث محروم کند یا خیر؟

به این منظور ابتدا باید برخی مفاهیم مرتبط با وصیت را توضیح داد.

وصیت تملیکی عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی از مال خود را برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجانی تملیک کند. با این نوع وصیت، شخص می‌تواند تا حدودی تکلیف اموال خود را معین کند مانند صرف آن در امور خیریه. در وصیت تملیکی، شخصی که وصیت می‌کند «موصی» و کسی که به نفع او وصیت تملیکی شده «موصی‌له» و مورد وصیت را «موصی‌به» می‌گویند. در وصیت تملیکی، تملیک با قبول موصی‌له پس از فوت موصی محقق می‌شود؛ بنابراین قبول آن قبل از فوت موصی موثر نیست. موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند.

وصیت عهدی نیز عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور کند. مثل این که شخصی را وصی کند تا بعد از مرگش، بدهی‌های او را پرداخت کند. در وصیت عهدی شخصی را که به موجب وصیت، به عنوان ولی بر صغیر یا بر کارهای دیگر انتخاب شده است، وصی می‌گویند. در وصیت عهدی، وصیت‌کننده فرد یا افرادی را برای اداره بخشی از اموال خود و نیز سرپرستی فرزندان پس از مرگ تعیین می‌کند و مسئولیت را به آنها می‌سپارد. این در حالی است که در وصیت تملیکی، شخص بخشی از اموال خود را پس از مرگ به فرد یا افرادی تملیک می‌کند که این فرد یا افراد می‌توانند فردی از خانواده یا هر فرد دیگری باشد.

نافذ نبودن وصیت

قانونگذار در ماده 837 قانون مدنی ایران، اعلام کرده است که «اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست»؛

در حقیقت وصیت و چنانچه نسبت به بیشتر از این میزان وصیت کند، صحیح بودن چنین وصیتی به اجازه سایر ورثه بستگی دارد. زیرا به استثنای یک سوم اموال، بقیه ترکه متعلق به ورثه است و شخص صاحب این اموال که همان وصیت کننده است، حق دخالت در آنها را ندارد و اموال مزبور به طور طبیعی در اختیار همه ورثه قرار می‌گیرد تا طبق ضوابط و مقررات مربوط به ارث، میان آنها تقسیم شود.

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا وصیت کننده حق دارد به واسطه وصیت خود، همه ورثه یا برخی از وراث را از ارث محروم کند یا خیر؟ که در پاسخ به این پرسش، قانونگذار ماده 837 را ذکر کرده است.

نظر فقهای امامیه

به اعتقاد فقهای امامیه، هر گاه شخص وصیتی کند که بر اساس آن، بخواهد یکی از ورثه را از ارث محروم کند، چنین وصیتی صحیح نیست. به عنوان مثال شخص وصیت کند که به دلیل فساد اخلاقی فرزندش، او را از ارث محروم یا از جمع ورثه، حذف می‌کند. در حقیقت اکثر فقها این وصیت را به دلیل مخالفت آن با کتاب و سنت، باطل می‌دانند.

اختلاف نظر حقوقدانان

برخی حقوقدانان در این زمینه عقیده دارند که از ظاهر جمله «اگر کسی به موجب وصیت مزبور نافذ نیست» چنین استفاده می‌شود که هر گاه وارث محروم، به اراده وصیت کننده، تسلیم شود و محرومیت را بپذیرد، وصیت نافذ می‌شود. لازمه پذیرش این نظر، نافذ بودن وصیت تا حد یک سوم است که بدون نیاز به اجازه نیز اثر دارد، اما در استفاده از این ظاهر باید احتیاط کرد، زیرا قوانین ارث و قواعد مربوط به تملک قهری ورثه برای حفظ مصالح خانواده وضع شده است و با نظم عمومی جامعه ارتباط نزدیک و مستقیم دارد.

بعضی دیگر از حقوقدانان نیز در تفسیر این ماده می‌گویند که قاعده توارث از نظر نظم اجتماعی تأسیس شده است، بدین جهت طبق ماده 959 قانون مدنی وارث نمی‌تواند آن را از خود سلب کند. همچنان که مورث (متوفی) نمی‌تواند آن را از وارث سلب کند. بنابراین توارث از احکام به شمار می‌رود نه از حقوق تا شخص بتواند آن را اسقاط کند.

به عنوان مثال، هر گاه کسی وصیت کند که فلان وارث او از ارث محروم باشد یا به فلان وارث او ارث داده نشود یا فرد، وارث او نیست، وصیت مزبور موجب محرومیت او از ارث نخواهد شد.

بنابراین، ماده 837 قانون مدنی اگر چه دارای ابهام است اما وقتی به منبع قانون، یعنی فقه امامیه مراجعه کنیم، ابهام آن برطرف می‌شود.

البته حقوقدانان در این خصوص، به دو مورد مجزا از یکدیگر قایل هستند و دو نظر متفاوت دارند.

گاهی از اوقات، پدر، تصریح می‌کند که فلان فرزندم را از ارث محروم ساختم، در این صورت مطابق آنچه گفتیم، وصیت باطل است. این در حالی است که گاهی از اوقات، پدر می‌گوید که تمامی میراثم را به فلانی و فلانی دادم و به این طریق فرزند و سایر ورثه خود را از ارث محروم می‌کند. در اینجا حقوقدانان می‌گویند که وصیت تا حد یک سوم، نافذ است و مازاد، منوط به اجازه سایر وراثی است که محروم از ارث شده‌اند. در این صورت، اگر فرزند و سایر ورثه اجازه دادند، تمامی اموال متعلق به موصی و له (کسی که وصیت به نفع او انجام شده است) می‌شود. در نتیجه، اگر چه مطابق ظاهر ماده 837 قانون مدنی ایران، وصیت پدر به محروم کردن فرزند از ارث، نافذ نیست اما با مراجعه به تحلیل و تفسیر حقوقدانان از این ماده و با توجه به قواعد و موازین حقوقی، در صورتی که پدر صراحتاً فرزند خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور باطل است. این در حالی است که اگر پدر تمامی اموال خود را به دیگر ورثه تملیک کند و اسمی از فرزند خود نبرد، در این صورت وصیت مزبور غیر نافذ است. یعنی اگر فرزند اجازه داد وصیت صحیح خواهد بود و اگر فرزند اجازه ندهد تا ثلث مال وصیت مؤثر است.